

رابطه سبک مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع

ابتدایی شهر کرمانشاه

الهه یزدانی^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲، صفحات ۲۱۶-۲۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر رابطه سبک مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی است؛ همچنین این پژوهش با توجه به گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل دادند. جهت انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه با توجه به حجم نمونه و با استفاده از جدول مورگان انتخاب و معلمان به پرسشنامه‌های سبک مدیریت کلاس درس و مهارت‌های ارتباطی و دانش‌آموزان به پرسشنامه انگیزش تحصیلی هارتر پاسخ دادند. نتایج نشان داد متغیرهای سبک مدیریت کلاس درس و مهارت‌های ارتباطی به شکل مثبت و معنی‌داری انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین سبک مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که می‌تواند مورد توجه سازمان آموزش و پرورش، معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد.

کلیدواژه: سبک مدیریت کلاس، مهارت‌های ارتباطی، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رفتاری

مقدمه

یکی از گروه‌های مهم در هر کشور دانش‌آموزان هستند که نقش مهمی در ساختن آینده و تعلیم و تربیت و تعالی کشورها ایفا می‌کنند. مدرسه نیز از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به‌منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، اجتماعی، علمی، آموزشی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی، معنوی، جسمانی دانش‌آموزان بر اساس ضوابط و دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش تأسیس می‌شود (کوهی و همکاران، ۱۳۹۹). از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت دوره ابتدایی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقطع نظام آموزشی، دوره ابتدایی است که در ایجاد تحولات اساسی در جوامع و پیشرفت آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. این دوره زمانی در پیشرفت و توسعه دولت‌ها مؤثر واقع می‌شود که کیفیت مناسبی بر آن واقع باشد (مرادی و کردلو، ۱۴۰۰). بنابراین آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی برآمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل دهنده آن است و تأثیر آن در پیشرفت جامعه، امری کاملاً محسوس است. آموزش و پرورش، مسئولیت‌های بزرگی برای تحقق اهداف فردی و اجتماعی برعهده‌گرفته است و به‌عنوان بهترین فرصت برای شکوفاسازی استعدادهای انسانی مطرح و موردنظر متخصصان و متصدیان تعلیم و تربیت بوده است (شاه‌دوستی، ۱۳۹۰). نظام آموزشی هر کشور از نظر نیروی انسانی و مشاغل ایجادشده در آن، بالاترین رتبه را در میان سازمان و دستگاه‌های دولتی دارد. بر این اساس، نظام آموزشی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زیر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظور داشت (ادیب، احدی ارسون و مولق‌قلاچی، ۱۳۹۵).

نیروی انسانی در هر سازمان از عوامل مؤثر در بقای آن سازمان به‌شمار می‌آید. سازمان آموزش و پرورش و وسعت وظایف آن، با گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فناوری و پیشرفت‌های صنعتی، از شاخص‌های مهم رشد در هر جامعه به‌حساب می‌آید. یکی از وظایف مهم این سازمان، تربیت نیروی انسانی مولد، کارآمد و واجد مهارت‌های فنی است (صافی، ۱۳۹۰). کیفیت عملکرد کارکنان از مهم‌ترین عواملی است که در موفقیت یا عدم موفقیت هر سازمان نقش دارد. یکی از چالش‌ها و مشکلاتی که نظام آموزش ایران با آن روبه‌رو است مربوط به منابع انسانی است. معلمان مهم‌ترین نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش محسوب می‌شوند. بدون تردید معلم در مقام اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر آموزش و پرورش به‌گونه‌ای مستقیم مهم‌ترین نقش را در یادگیری دانش‌آموزان و اداره کلاس دارد (میر جلیلی، ۱۳۹۹). نظام آموزشی برگرفته از محیط مدرسه و کلاس درس بوده که از کلاس درس محور اصلی تعلیم و تربیت یادشده است که در آن معلم دلسوزانه فعالیت می‌کند تا در فراگیران ایجاد یادگیری کند. در این مسیر، مهم‌ترین کار، توانایی مدیریت و اداره‌ی کلاس، ایجاد رفتار مطلوب و پرهیز از وقوع رفتارهای نامطلوب است. بر این اساس مدیریت کلاس و مدیریت رفتار در آن، اولین سطح مدیریت آموزشی است که در شکل دادن به ساختار آموزش و فرآیند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی، عاطفی، آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان نقش اساسی دارد (ملکی، ۱۳۹۸). کلاس درس محلی است که در آن مکان خدمت مستقیم به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تا آنان از جهت فردی و اجتماعی رشد یابند و به‌تبع آن زمینه‌ی توسعه‌ی سالم و همه‌جانبه‌ی جامعه فراهم گردد (قبادی، ۱۳۹۹). در این راستا، حرفه‌ی معلمی یکی از مشاغل دشوار محسوب می‌گردد؛ چون علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلم باید از هنر و تجربه‌ی تدریس و سبب مدیریت متناسب با سبک یادگیری دانش‌آموزان

با توجه به تفاوت های فردی آنان نیز برخوردار باشد و دغدغه ی مشترک همه ی معلمان، مهارت اداره مؤثر و کارآمد کلاس به عنوان یکی از مهارت های مهم و ضروری است و از این رو اصول کلاس داری یکی از عوامل مؤثر و هسته ی اصلی تدریس است که هم معلمان تازه کار و هم معلمان باتجربه باید همواره آن را بهبود بخشند (جلیلی، نیکخواه و میرحیدری، ۱۳۹۶). تحقق تدریس اثربخش در مؤسسات آموزشی وابسته به شرایط و زمینه های مختلفی است که اصول کلاس داری یکی از مهم ترین این زمینه هاست. در صورتی که معلم از سبک مدیریت کلاس برخوردار نباشد علی رغم توانایی های علمی قادر نخواهد بود کلاس را به درستی مدیریت نماید و تحقق تدریس اثربخش در کلاسی که فاقد رویه های صحیح مدیریتی است با اشکال روبرو خواهد شد. رینولدز و مویس^۱ (۱۹۹۲) معتقدند که معلمان اثربخش کلاس را به گونه ای سازماندهی می کنند که نتیجه آن شکل گیری محیط هایی برای یادگیری اثربخش است. امر^۲ (۱۹۹۳) و اورستون^۳ (۱۹۹۵) در رابطه با نسبت بین تدریس اثربخش و مدیریت کلاس درس می گویند اصول کلاس داری باید به عنوان یکی از ابعاد اصلی و مهم تدریس اثربخش مورد ملاحظه قرار گیرد. اگرچه نمی توان آن را مترادف و هم معنای تدریس اثربخش دانست. پژوهش هایی که در عصر حاضر انجام می شود نه تنها از اهمیت و نقش کلیدی اصول کلاس داری حمایت می کنند بلکه بر پویایی های مدیریت کلاس تأکید ویژه دارند (مازانو^۴، ۲۰۰۵). اهمیت مدیریت کلاس و نقش آن در تدریس اثربخش هنگامی بیشتر آشکار می شود که مشاهده می گردد معلمان و مربیان مبتدی زمان زیادی را صرف اصول و سازماندهی کلاس می کنند و تا زمانی که نتوانند کلاس خود را به درستی مدیریت و سازماندهی کنند نمی توانند توجه خود را به فرایند یاددهی و یادگیری معطوف نمایند (شیرزادی، ۱۳۹۵). راگ^۵ (۲۰۰۱) معتقد است که مدرسی در کلاس کارآمد است که دارای توانایی ارتباط با فراگیران علاقه به تدریس، یادگیری فعال و کنترل رفتار فراگیران باشد. معلمان در کلاس های درس باید سبک های مدیریتی را متناسب با ویژگی های شخصیتی دانش آموزان و روش های تدریس به گونه ای انتخاب کند که دانش آموزان ضرورت کسب انواع مهارت ها را در کلاس درس بیاموزند. روش های تدریس فعال، توجه به علایق و نیازهای دانش آموزان به کارگیری روش های حل مسئله، مشارکتی، ایجاد رابطه سازنده و اثربخش با دانش آموزان محیط کلاس درس و فرایند آموزشی را شوق انگیز و زمینه تحقق اهداف تربیتی و آموزشی را فراهم نماید (سلیمانپور، فردی پور، خلیخالی، ۱۳۸۹). محیط آموزشی متشکل از سه منبع فیزیکی، اقتصادی و انسانی است. منابع فیزیکی و اقتصادی اگرچه در کیفیت آموزش بسیار موثر است، اما در بسیاری از نظام های آموزشی، به ویژه نظام های آموزشی متمرکز، خارج از حوزه اختیارات معلم قرار دارد. نیروی انسانی شامل مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین آن ها عوامل اصلی در برنامه ریزی محیط های آموزشی اند که می توانند نقش ارزنده تری نسبت به منابع فیزیکی و اقتصادی در فرایند فعالیت های آموزشی ایفا کنند. اگر مجریان برنامه های درسی شناخت لازم را در زمینه تعلیم و تربیت نداشته باشند و در فرایند اجرا سازمان یافته و هماهنگ حرکت نکنند انتظار کارایی از نظام مدرسه دور از واقعیت خواهد بود. بدون تردید اثربخش ترین نیرو

^۱ -Reynolds & Muise

^۲ -Emmer

^۳ -Erevston

^۴ -Marzaano

^۵ - rag

در کلاس درس نسبت به سایر منابع انسانی معلم است که بینش و دانش او در زمینه اصول کلاس داری و سازماندهی فعالیت‌های آموزشی می‌تواند موجب تحول و تقویت کارکردهای نظام مدرسه گردیده و محیط مدرسه را برای دانش‌آموزان جذاب و برانگیز سازد (شعبانی، ۱۳۹۰).

بنابراین اداره صحیح کلاس درس و سبک مدیریت کلاس مناسب از مسائل مهم آموزشی است؛ زیرا از این طریق معلم می‌تواند رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نماید و با ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری شرکت دانش‌آموزان را در فعالیت‌های یادگیری افزایش دهد. اداره کلاس درس به نحوی موثر فعالیت‌های یادگیری را در دانش‌آموزان به حداکثر می‌رساند. در آموزش شاگرد محور دانش‌آموزان اغلب مشغول کار گروهی و یا کار بر روی پروژه‌های تحقیقی، نوشتن، آزمایش کردن و سایر فعالیت‌های فردی و گروهی هستند. در جریان آموزش یادگیرنده محور، همچنین این تمایل وجود دارد که معلم بیشتر راهنما و هدایت‌گر گروه و نیز تسهیل‌کننده باشد (صالحی مبارکه، ۱۳۹۷). شیوه‌های مدیریت کلاس به روش‌های به‌کاررفته توسط معلمان در جهت فراهم کردن حمایت تحصیلی، فراهم کردن حمایت عاطفی، نظارت همزمان و دقیق کلاس درس و مدیریت تعارض که در معلمان بر اساس شخصیت، رفتار حرف‌های و توانایی‌های آنان متفاوت است، گفته می‌شود (جیگیچ و استویلیکوویچ، ۲۰۱۱). چنانچه معلمی نتواند با استفاده از فنون متعدد، کلاس درس خود را به شیوه صحیح و درست مدیریت کند، فرایند تدریس او اثربخش نبوده و دانش‌آموزان قادر به یادگیری مؤثر درس نخواهند شد (اکبری و عباس علیپور، ۱۳۹۶). کلاس درس به‌عنوان کوچک‌ترین خرده سیستم نظام آموزشی به تبع تحولات و تغییرات اجتماعی و آموزشی در حال تغییر است. از میان عناصر کلاس درس، نقش معلم و نحوه مدیریتی او در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی دانش‌آموزانی متناسب با جهان امروز بسیار مهم و اساسی است. برای اینکه فرایند تدریس مؤثرتر صورت پذیرد معلم باید بتواند ارتباطی سالم و دوطرفه برقرار نماید تا سبب تبادل افکار و احساسات شده و در قبال آن به انتقال مفاهیم و دانش موردنیاز دانش‌آموزان بپردازد و آن‌ها را در فرایند یادگیری راهنمایی نماید و این برقراری ارتباط مؤثر جز با مدیریت اثربخش و توانای معلم ممکن نخواهد شد. زیرا موفقیت و پیشرفت تحصیلی در هر جامعه نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است؛ بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آن در دوره‌های مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد (میرعرب، عزیزی شمامی و گرلی، ۱۳۹۷). پیشرفت و موفقیت تحصیلی با عواملی مانند انگیزش و پردازش شناختی رابطه دارد (توکلی، حسن زاده و عمادیان، ۱۳۹۸). انگیزش پیشرفت، تمایل به تلاش جهت دستیابی به موفقیت و اثرات مثبت مرتبط با آن و اجتناب از شکست و اثرات منفی با آن را منعکس می‌کند (آراکری و سوناگر^۱، ۲۰۱۷). افرادی که دارای انگیزه پیشرفت بالایی هستند، در تکالیفی که درجه دشواری بالاتری دارد، موفق می‌شوند و برای دستیابی به موفقیت تلاش بسیاری می‌کنند (نراسیمهن^۲، ۲۰۱۸). عدم انگیزش در انجام یک تکلیف می‌تواند کسب نتایج را دچار مشکل نماید (شخار و کومار^۳، ۲۰۱۶).

1- Arakari and Sonagar

2- Narasimhan

3- Shakhari and Kumar

بنابراین انگیزش تحصیلی یکی دیگر از متغیرهایی است که می‌تواند با مهارت‌های ارتباطی و سبک مدیریت کلاس دانش‌آموزان مرتبط باشد. انگیزش به‌عنوان عامل اصلی در نظریه‌ی یادگیری -اجتماعی محسوب می‌شود که ابتدا در بستر روان‌شناسی اجتماعی از سوی بندورا شکل گرفت (سیمین رو، ۱۳۹۶). نظریه خودکارآمدی چارچوبی مفهومی را ارائه می‌دهد که در آن به مطالعه عوامل طراحی موثر کار و مکانیزم‌هایی که به‌واسطه آن‌ها عملکرد سازمانی را افزایش می‌دهند، می‌پردازد (بندورا^۱، ۲۰۰۹). در این دیدگاه رفتار آدمی نه‌تنها در کنترل عوامل بیرونی و محیطی است بلکه فرآیندهای روان‌شناختی نقش تعیین‌کننده در رفتار آدمی را دارند. مطالعه انگیزش پژوهشی کوششی برای شناخت و پاسخ به چراهای رفتار است. این‌که چرا انسان‌ها رفتارهای متفاوتی دارند و چرا بعضی از کارمندان با میل و رغبت کار خود را انجام می‌دهند و کارمند دیگری برای انجام دادن حداقل کار باید تحت فشار قرار گیرد، از مباحث انگیزش است. چرایی رفتار آدمی همواره از موضوعات موردعلاقه حوزه روان‌شناسی بوده است (داوودی و همکاران، ۱۳۹۱). درک چرایی رفتار افراد در محیط کار، نیازمند بررسی و مطالعه انگیزش است (نورزوی و امیریان زاده، ۱۳۹۶). نظریه‌های متعددی در مورد انگیزش مطرح شده است که نظریه‌هایی مانند انسان‌گرایی و شناختی، انگیزش را حاصل باورهای آموخته‌شده فرد درباره‌ی ارزشمندی فرد، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود، خودپنداره تحصیلی، اهداف و انتظارات فرد برای کسب موفقیت یا شکست و احساسات مثبت و منفی (کنجکاوی و اضطراب) تلقی می‌کنند. درواقع، آن‌ها بر اهمیت انگیزش درونی تأکید دارند (بیابان‌گرد، ۱۳۸۴). برخی دیگر از دیدگاه‌ها مانند رفتارگرایان، بر اهمیت عوامل بیرونی مهمی مثل دریافت حمایت اجتماعی و عاطفی، توجه دلسوزانه، احترام و تشویق از سوی افراد مؤثر (مانند کسب موفقیت برای معروف شدن) برانگیزش درونی تأکید داشته (معین‌الغرابی و فدایی، ۱۳۸۸) و بر اهمیت انگیزش بیرونی در رفتار تأکید دارند (بیابان‌گرد، ۱۳۸۴). پژوهشگران مختلف (مانند شانک^۲، ۱۹۹۱؛ سیلر، هولتون، باتس، بارند و کاروالو^۳، ۲۰۰۲) معتقدند که عوامل درونی و عوامل برون‌فردی برانگیزش مؤثرند. پژوهش‌های زیادی در راستای تأثیر عوامل بیرونی برانگیزش صورت گرفته است که در این پژوهش‌ها به نقش عواملی از جمله محیط‌های مختلف یادگیری، خصوصیات مدرسه و کلاس درس، محتوای آموزشی، روش‌های مختلف آموزش، کیفیت تدریس و ساختار ارزشیابی ادراک‌شده به‌صورت مجزا پرداخته‌شده است (سیدجوادین، ۱۳۹۱؛ اردن و سان فدر^۴، ۲۰۰۶؛ دارن، دال و کمال^۵، ۲۰۱۰؛ حیدرزاده، ۱۳۹۱ و پورصادقی و سلیمانپور، ۲۰۱۴). ونزل و ویگفیلد^۶ (۱۹۹۸) یادآور شدند که انگیزش تحصیلی یک ویژگی اساسی است که افراد موفق در زمینه تحصیلی از آن برخوردارند و افراد پیشرفت‌گرا به‌ویژه افرادی که جهت‌گیری انگیزشی‌شان درونی است در زمینه یادگیری خودانگیزخته‌اند. اهداف تحصیلی واقع‌گرایانه‌ای برای خویش وضع می‌کنند، از راهبردهای کارآمد به‌منظور دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند و در صورت لزوم، راهبردهای مورد استفاده را اصلاح یا تغییر می‌دهند و سعی در استفاده بهینه از منابع در دسترس مانند زمان، مکان، همسالان، والدین، معلمان و منابع کمکی از قبیل فیلم، ویدیو و کامپیوتر

¹ - Bandura

² - Schunk

³ - Seyler, Holton, Bates, Burnett & Carvalho

⁴ - Urdan & Schoenfelder

⁵ - Keesler

⁶ - Wenzel & Wigfield

و همین‌طور ساخت، خلق و انتخاب محیط‌هایی را دارند که یادگیری را افزایش دهد. شانگ وزیمرمن به نقل از ولترز^۱ (۱۹۹۸) گزارش نمودند یادگیرندگان که از جهت‌گیری انگیزش تحصیلی برخوردارند به احتمال بیشتر دارای شناخت انطباق یافته‌تر، پیامدهای انگیزشی قوی‌تر بوده و از پیشرفت تحصیلی بالاتری نسبت به همکلاسی‌های خود دارند. سو^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به مطالعه عوامل مؤثر بر مدیریت و کلاس داری معلمان پرداخت و به این نتیجه رسید سه عامل؛ محیط فیزیکی کلاس، میزان آمادگی معلم و روشی که درس ارائه می‌شود بر مدیریت کلاس به معنای رفتار تحت وظیفه دانش‌آموزان تأثیر دارد. دکارلو^۳ (۲۰۱۸) به مقایسه سبک مدیریت و کلاس داری معلمان مقطع متوسطه و ابتدایی پرداختند و نتایج این مطالعه که بر اساس پرسشنامه مارتین (۱۹۹۶) انجام شده، نشان می‌دهد معلمان ابتدایی به‌طور معناداری نسبت به معلمان متوسطه کمتر سبک مداخله‌گر را بکار می‌برند. بهادری خسروشاهی و حبیبی کلیر (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه انجام داد و نشان دادند آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه تأثیر دارد. بنابراین با توجه به اهمیت انگیزش تحصیلی مخصوصاً در دانش‌آموزان و پیشینه پژوهش‌های انجام شده و از آنجایی که برای بررسی رابطه سبک مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ابتدا باید عوامل مرتبط با آن و سهم هر یک را شناسایی کرد و سپس از آن‌ها بهره برد، بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین سبک مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی است؛ همچنین این پژوهش با توجه به گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. در پژوهش حاضر جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند. جهت انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شد. بدین‌صورت که دو مدرسه به‌عنوان نمونه انتخاب و در هر مدرسه ۴ کلاس که از هر پایه یک کلاس انتخاب شدند و با توزیع پرسشنامه در بین دانش‌آموزان هر کلاس به‌صورت تصادفی ساده داده‌های لازم گردآوری شد. تعداد حجم نمونه با توجه به تعداد جامعه نامحدود تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی کوئین دام: این آزمون ۳۴ گویه دارد که سطوح مهارت‌های ارتباطی افراد را در ۵ حیطه توانایی دریافت و ارسال پیام (۹ گویه)، کنترل عاطفی (۹ گویه)، گوش دادن (۶ گویه)، بینش نسبت به فرایند ارتباط (۵ گویه) و مهارت ارتباط توأم با قاطعیت (۵ گویه) می‌سنجد، سؤالات این پرسشنامه در یک طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵)

1 - Wolters

2 - Sue

3 - DeCarlo

نمره گذاری می شوند. سؤالات ۴-۲ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. دامنه نمره محتمل برای هر فرد بین ۳۴ تا ۱۷۰ خواهد بود و نمره بالاتر نشان دهنده مهارت های ارتباطی بالاتر می باشد. پرسشنامه مهارت های ارتباطی کوبین دام در مطالعات متعدد پرستاری مورد استفاده قرار گرفته است و روایی و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۶۹ تا ۰/۶۶ درصد گزارش شده است (چاری و فداکار، ۲۰۰۶). در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه استاندارد سبک تدریس: برای سنجش شیوه های مدیریت کلاس، از پرسشنامه سبک تدریس گراشا^۱ (۱۹۹۶) استفاده این پرسشنامه در ۴۰ گویه و بر اساس طیف لیکرت هفت گزینه ای تنظیم شده است. گراشا (۱۹۹۶) پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه نمود و ضرایب را بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ گزارش کرد. همچنین در مطالعه حسن زاده^۲ و همکاران (۲۰۱۳) پایایی پرسشنامه با اجرای آن در بین گروهی ۳۰ نفره به عنوان پایلوت با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه انگیزش تحصیلی: پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر شامل ۳۳ گویه و هدف آن بررسی انگیزش تحصیلی در بین دانش آموزان می باشد. این ابزار شکل اصلاح شده مقیاس هارتر (۱۹۸۰، ۱۹۸۱) به عنوان یک ابزار سنجش انگیزش تحصیلی است. همان گونه که بیان شد مقیاس اصلی هارتر، انگیزش تحصیلی را با سؤال های دوقطبی می سنجد که یک قطب آن انگیزش درونی و قطب دیگر انگیزش بیرونی است و پاسخ آزمودنی به موضوع هر سؤال فقط می تواند یکی از دلایل بیرونی یا درونی را دربرداشته باشد. از آنجاکه در بسیاری موضوع های تحصیلی انگیزه های درونی و بیرونی هر دو نقش دارند، لیر و همکاران (۲۰۰۵) مقیاس هارتر را به شکل مقیاس های معمول درآوردند که هر سؤال تنها یکی از دلایل انگیزش درونی و بیرونی در نظر می گیرد. پایایی این پرسشنامه توسط ظهیری و رجبی (۱۳۸۸) با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه شد.

یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی نمونه بر حسب جنسیت را نشان می دهد.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی نمونه بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۶۳	۳۴/۵
دختر	۱۳۷	۶۵/۵

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که ۶۳ نفر از آزمودنی ها (۳۴/۵) درصد پسر و ۱۳۷ نفر از آزمودنی (۶۵/۵) درصد دختر هستند.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون کالموگراف اسمیرنف

سبک های مدیریت کلاس	کالموگراف اسمیرنف	مقدار و سطح معنی داری آزمون
مهارت های ارتباطی	۰/۴۲	سطح معنی داری ۰/۸۲
انگیزش تحصیلی	۰/۴۲	۰/۲۵
	۰/۵۶	۰/۶۴

1- Grasha

2- Hasanzadeh

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، آزمون کالموگراف اسمیرنوف برای تمامی متغیرها در سطح $P < 0/01$ معنادار نمی باشد؛ بنابراین توزیع متغیرهای مذکور از نرمال بودن تبعیت می کند.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون برای پیش بینی انگیزش تحصیلی دانش آموزان از طریق سبک مدیریت کلاس و مهارت های ارتباطی معلم

شاخص های هم خطی		ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		تایم
VIF	Tolerance	سطح معنی داری	t	Beta	B	
		0/001	23/13		3/53	54/11
6/23	0/53	0/001	6/33	0/35	0/14	0/67
6/23	0/54	0/001	13/41	0/62	0/095	0/55

در جدول ۳ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی انگیزش تحصیلی دانش آموزان از طریق متغیرهای سبک مدیریت کلاس درس و مهارت های ارتباطی معلم، آورده شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش 0/1 بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش 10 کمتر است، نتیجه می شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است. در مدل نهایی، مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای متغیر سبک مدیریت کلاس درس برابر با 0/35 و برای متغیر مهارت های ارتباطی برابر با 0/62 می باشد. با توجه به مقدار آماره های t به دست آمده که در سطح آلفای 0/01 معنی دار می باشد، نتیجه می گیریم که متغیرهای سبک مدیریت کلاس درس و مهارت های ارتباطی به شکل مثبت و معنی داری انگیزش تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر رابطه سبک مدیریت کلاس درس و مهارت های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی در سال تحصیلی 1402-1403 بود. نتایج نشان داد که بین سبک مدیریت کلاس درس و مهارت های ارتباطی معلم با انگیزش تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با نتایج پژوهش های سو (2019)، دکارلو (2018) و بهادری خسروشاهی و حبیبی کلیر (1398) همسو بود. در تبیین این نتایج می توان گفت انگیزش تحصیلی به انگیزه خود فرد اشاره دارد؛ به عبارت دیگر تمایل دانش آموز به یادگیری مطالعات، دستیابی به یک هدف یا انجام یک کار صرفاً به این دلیل است که دانش آموز، خود از انجام این کار لذت می برد و ارزش آن را می بیند (مرکز سیاست های آموزش و پرورش، 2012). انگیزش تحصیلی، قوی ترین نوع انگیزش است و اشاره به انگیزشی دارد که افراد را به صورت خودجوش و درونی به انجام تکلیفی خاص به حرکت وامی دارد و جدا از پاداش بیرونی، انجام خود تکلیف برای فرد ارزشمند است. انگیزش تحصیلی تمایل دانش آموز به یادگیری اطلاعات، دستیابی به یک هدف یا انجام یک کار صرفاً به این دلیل که از انجام آن کار لذت می برد و ارزش آن را می داند است. همچنین می توان گفت محیط های آموزشی به عنوان مهم ترین فضاهای تأمین کننده نیروی کیفی جامعه، دارای نقش بسزایی در تعامل با انسان از دو منظر فیزیکی و روانی می باشند. امروزه آموزش و پرورش عمدتاً در محیط داخلی قابل تحقق بوده و بر این منوال تصور تعلیم به نحو قطعی با یک فضای بسته به صورت کلاس همراه است (احمدی، 1392). نظام تعلیم و تربیت در جهان امروز وظایف سنگینی را عهده دار می باشد این نظام باید با بهره گیری از دست آوردهای علمی و فن آوری، انگیزه دانش آموزان را برای زندگی در جهان پر تغییر و تحول فردا آماده سازد. از این رو نظام آموزش و پرورش باید اهدافی را دنبال کند که ناظر بر تحولات دنیای فردا باشد به این جهت

وظیفه و مسئولیت نظام آموزش و پرورش امروز نسبت به گذشته سنگین تر و پیچیده تر شده است. اساسی ترین عامل برای ایجاد شرایط مطلوب جهت تحقق هدف های آموزشی معلم است، اوست که می تواند نقص کتاب های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران نماید و با بهترین شرایط و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد و ارتباط مطلوب به محیط غیرفعال و غیر جذاب تبدیل کند. در فرایند تدریس تنها، تجارب دیدگاه های علمی معلم نیست که موثر واقع شود بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری، تغییر و تحول شاگرد اثر می گذارد. دیدگاه معلم و فلسفه ای که به آن اعتقاد دارد، در چگونگی کار او تأثیر شدیدی می گذارد به طوری که او را در حالت شخصی که فقط در تدریس مهارت دارد خارج می کند و به صورت انسان اندیشمندی درمی آورد که مسئولیت بزرگ انسان ها را برعهده دارد (شیرزادی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، کلاس درس خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت است که مسئولیت اداره آن و تحقق اهداف آموزشی و درسی به عهده معلمان است، بنابراین معلمان در نقش مدیر کلاس ظاهر می شوند، توجه معلمان با این رویکرد در دیدگاهی جدید ولی نسبتاً توسعه یافته است، در این دیدگاه معلمان مدیرانی هستند که برای حفظ نظم و کنترل کلاس و فعالیت های آموزشی کارکردهای مدیریتی را به کار می گیرند با وجود این دارا بودن مهارت های مدیریتی یکی از توانایی های ضروری شغل معلمی است که کمتر به آن توجه شده است (برلینر^۱، ۱۹۹۸). امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزشی و پرورش و تغییر در سیاست ها و برنامه ریزی های آموزش، معلمان فاقد توانایی های اساسی و لازم هستند و از روش های قدیم و مهارت های سنتی و انفرادی برای اداره کلاس خود استفاده می کنند. همین امر باعث کندی شکل گیری فرایند یاددهی و یادگیری آسیب پذیری امر آموزش شده است. معلمان مهارت های مختلفی دارند، سبک مدیریت مناسب کلاس درس و مهارت های ارتباطی یکی از همین مهارت ها است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، بدون توانایی اداره ی موثر یک گروه، سایر کیفیت های معلمی ممکن است موثر واقع نشوند. بنابراین معلمان یکی از اثرگذارترین قشر در تربیت نسل آینده اند؛ زیرا آینده هر تمدن و فرهنگی و تعالی هر جامعه ای ارتباطی تنگاتنگی با آموزش و پرورش صحیح آن جامعه دارد و تحقق اهداف متعالی در گروی داشتن معلمان شایسته به منزله عنصر درونی نظام آموزشی و تأثیرگذار بر دانش آموزان است (محمدی درویش بقال، پیر چراغ علی، نعمتی و گیاه پور، ۱۳۹۴). زیرا دانش آموزان برای ورود به عصر دانایی و روبه رو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده ای با روش های متناسب با این الزامات جدید، تحولات زمانه و پیشرفت های آموزشی و علمی برای تصمیم گیری های مناسب و حل مسائل پیچیده جهان آشنا شوند و آن ها را فراگیرند. آموزش این مهارت ها و یادگیری آن ها از طریق روش های یاددهی-یادگیری فرآیندمدار ضروری به نظر می رسد. این ضرورتی است که دنیای امروزی با آینده ای که پیش رو دارد، باید برای آن برنامه ریزی کند. راه های اساسی برای تحقق این آرزوها، تغییر بنیادی در روش های آموزش و یادگیری و مدیریت کلاس درس می باشد. به زعم بازرگان (۱۳۹۳)، بر اساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان، با تجربه می تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد. پژوهشگر، با تعامل در موضوع پژوهش، به شناخت آن نائل می شود. در این دیدگاه، شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفسیرها و تعبیرهای گوناگون دارد. در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی

¹ - Berliner

به‌عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه، باور بر این است که با توجه به خلاق بودن انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی و ساخته و معنی‌دار شدن در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها از آن، نمی‌توان مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات و ایجاد تغییر در آن‌ها، پیشنهاد کرد (خصالی، صالحی و بهرامی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین آشنایی و استفاده از این‌گونه تجربیات ملموس و پربار از طریق این روش پژوهش پیش رو دارای اهمیت و برای مجری این پژوهش به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه معلمان و دیگر همکاران بسیار لازم و مفید خواهد شد به‌گونه‌ای که قلت و کمبود تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای و ناکافی بودن منابع موجود به این ناسامانی و آشفتگی، بیش‌ازپیش دامن خواهد زد. جامعه آماری پژوهش صرفاً دانش‌آموزان ابتدایی شهر کرمانشاه بود که در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان دیگر پایه‌های تحصیلی و سایر شهرها باید با احتیاط انجام شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری بر روی دانش‌آموزان سایر شهرها و دانش‌آموزان سایر پایه‌های تحصیلی برگزار شود و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد.

منابع

- ادیب، یوسف؛ احدی ارسون، کبری و مولافلقاچی، سمیه (۱۳۹۵). مطالعه تجربیات دبیران دوره متوسطه شهر تبریز از ارزشیابی مستمر: یک مطالعه پدیدارشناسی. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، ۹(۳۳)، ۴۳-۱۳.
- بهادری خسروشاهی، جعفر و حبیبی کلبر، رامین (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی. مجله آموزش و ارزشیابی، ۱۰(۳۹)، ۱۵۱-۱۷۳.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری تهران: نشر دیدار.
- خصالی، آزاده؛ صالحی، کیوان و بهرامی، مسعود (۱۳۹۵). تحلیل ادراک و تجربه زیسته معلمان ابتدایی از دلایل ناکارآمدی برنامه ارزشیابی توصیفی کیفی: مطالعه به روش پدیدارشناسی. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵(۱۲)، ۱۵۲-۱۲۱.
- راگ، ادوارد کنراک (۲۰۰۱)، مدیریت کلاس در دبیرستان، ترجمه: علیرضا کیامنش و کامران گنجی، تهران.
- سلیمان پور، جواد؛ فردی، معصومه و خلخالی، علی (۱۳۸۹). آرایه مدلی جهت استقرار مدیریت کلاس درس سالم، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۱(۱)، ۷۱-۶۰.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) جلد ۱، تهران: سمت.
- سیمین رو، مزگان (۱۳۹۶). الگوی روابط بین نیازهای بنیادین روانشناختی، سبک‌های تفکر و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز کرمانشاه، گروه علوم تربیتی، گرایش برنامه‌ریزی آموزشی.
- شیرزادی، زینب (۱۳۹۵). بررسی مهارت‌های مدیریت کلاس درس دبیران زن دبیرستانهای دخترانه دولتی شهر کرج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- صالحی مبارکه، زهرا (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر در بهبود اداره کلاس درس، مجله نخبگان علوم و مهندسی، ۳(۴)، ۱۱-۱.
- صافی، احمد (۱۳۹۰). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، چاپ چهارم. تهران: سمت.
- میر جلیلی، محمد صالح (۱۳۹۹). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان ابتدایی تازه‌کار از سال اول تدریس: مطالعه به روش پدیدارشناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تحقیقات آموزشی، دانشگاه یزد.

- ملکی، زهرا (۱۳۹۸). شناسایی راهبردهای انضباطی اثربخش کلاس درس از دید معلمان نمونه دوره ابتدایی پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرادی، امیر و کردلو، محسن (۱۴۰۰). پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه و راهکارهای بهبود کیفیت آموزش در آنها، پژوهش در کلاس‌های تلفیقی و پایه، (۱)، ۱۰-۱.
- Akbari, J., & Abasalipour, M. (2018), Factors Affecting Classroom Management, Third National Conference on New Approaches in Education and Research. <https://civilica.com/doc/830027/>.
- Djigic, G., Stojiljkovic, S. (2011). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 4, 419 -AYA.
- Emmer. E. (1983). An investigation. *Journal of heterogeneous elementary school classroom*. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, Montreal.
- Everston, C.M. (1995). classroom Rules and Routines. in *International Encyclopedia of Teaching and Teacher Education* (2nd edition).
- Reynolds. D., & Muijs, D. (1999). The effective teaching of mathematics: A review of research, *Journal of School Leadership and Management*, 19, 273-288.

